فلسفه نو

NEW PHILOSOPHY

Professional Philosophy Journal , vol 4
نشریه تخصصی فلسفه ، سال اول ، شماره چهارم
چهار هزار و پانصد تومان ، دی و بهمن ۱۳۹۰

پرونده:
فلسفه سیاسی

حمید عنایت
مجید مددی
مهدی اخوان
ترانه جوانبخت
الکسی دو توکویل
ژان پل سارتر
ارنست بلوخ
جان لوییز
گئورگ فوستر
میشل لووی
ریچارد سیلوان
داگ آیتر تورسن
آموند لی
میخاییل باکونین
ژولین دوتین

ماهنامه تخصصی فلسفه
Magazine-philosophy.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

دانشگاه علامه طباطبایی

معاونت دانشجویی و فرهنگی

مدیریت امور فرهنگی

❖ هیئت علمی

- دکتر حمیدرضا آیت اللهی
- علی اکبر احمدی افرمجانی
- دکتر محمدرضا اسدی
- دکتر قاسم پورحسن
- دکتر سلیمان حشمت
- دکتر احمد علی حیدری
- دکتر صدرالدین طاهری
- دکتر هدایت علوی تبار
- دکتر حسین قلباسی اشتری
- دکتر علی اصغر مصلح
- دکتر فرشته نراقی
- دکتر امیر نصری

❖ هیئت تحریریه

- دکتر مجید مددی
- دکتر مروارید دباغ
- دکتر مهدی اخوان
- دکتر ترانه جوانبخت
- شروین طاهری
- محمد زرینه
- رهام برکچی زاده
- مریم پیردهقان
- حمید احدزاده
- بهزاد کورشیان
- رضا اسکندری
- بفشه افتخاری

❖ صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

❖ مدیر مسئول و سردبیر: فرشاد نوروزی

❖ در این شماره می خوانید از : دکتر مجید مددی، دکتر حمید عنایت، دکتر مهدی اخوان، دکتر ترانه جوانبخت، بفشه افتخاری، فرشاد نوروزی، مریم پیردهقان، تیمو لین، محمد زرینه، جان لوئیس، سهند ستاری، ایوب حیدری، نوکوبل، میخائیل باکونین، محمد محبی، برند . ا. لاسکا، آدام فورستر، سارتر، ارنست بلوخ، حمید احدزاده، علی پیری، رضا خامگی، محسن طاهری صحنه

❖ طراحی لوگو: رها زائر

❖ طراحی جلد: کمال کچوئیان

❖ ویراستار: مهشید پور اسدی

❖ صفحه آرا: نامید سلطانیان

❖ آدرس: دانشگاه ادبیات و زبان های خارجی – بزرگراه شهید چمران – پل مدیریت – خیابان علامه جنوبی – دفتر انجمن علمی فلسفه

فلسفه سیاسی نتیسم و پیامدهای آن

نویسنده: دکتر ترانه جوانبخت

یک فلسفه سیاسی اگر برمبنای فلسفه اخلاق باشد و یا حداقل مفاهیم اخلاقی در آن وارد شده باشد مبنای مناسب تری دارد. بنابراین قبل از شرح فلسفه سیاسی ام به بررسی فلسفه‌ام در حوزه اخلاق می‌پردازم.

در فلسفه اخلاق سعولا سعی فیلسوف بر این است که نظریه خود را بر مبنای مفاهیم متافیزیکی نگذارد زیرا مفاهیم متافیزیکی قابل اثبات نیستند. با این وجود جون گرایش ها به تکرار به صورت پتانسیل در همه اجزاء هستی وجود دارد و به صورت های مختلف در پدیده‌های هستی نمایان می‌شود می توان آن را به فلسفه اخلاق نیز بسط داد.

تز فلسفه نتیسم به عنوان یک نظریه اخلاق عبارت است از:

یک عمل فقط و فقط وقتی اخلاقی است که گرایش ها به تکرار در فرد ضرری برای او و دیگر اجزاء جامعه ایجاد نکند. به عبارت دیگر یک عمل فقط و فقط وقتی اخلاقی است که گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به خود و دیگر اجزاء جامعه در آن وجود نداشته باشد.

منظور از اجزاء جامعه صرفا افراد انسانی نیست بلکه کل محیط زیست را شامل می شود. بنابراین شامل حیوانات و گیاهان و به طور کلی شامل هر آنچه محیط زیست را تشکیل می‌دهد می‌باشد. یعنی اشیاء مورد تملک افراد را نیز شامل می‌شود.

در فلسفه نتیسم کاهش گرایش‌ها به تکرار یک مبنای نه صرفا اخلاقی بلکه یک مبنای وجودی است. یعنی کاهش گرایش‌ها به تکرار در فرد نه تنها بر درون مندی او (کاهش گرایش‌ها به تکرار در آن شخص) می افزاید بلکه اخلاق‌گرایی او را نیز نشان می‌دهد. چون گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به خود یا دیگران به صورت ذاتی در افراد بشر وجود دارد حتی با داشتن نیت مثبت برای فایده رساندن به دیگران این پتانسیل منفی از بین نمی‌رود و همواره وجود دارد. یعنی فایده رساندن به خود یا دیگران دلیلی برای از بین رفته تصور کردنگرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن نیست.

چند نکته در مورد تز فلسفه اخلاق نتیسم وجود دارد:

نکته اول این است که ضرر نرساندن اگر چه به معنای لزوم فایده رساندن نیست اما از آن مقدماتی تر است زیرا اول باید به خود یا دیگران ضرر نرساند و بعد به خود یا دیگران فایده رسانید و تا زمانی که مورد اول میسر نشود مورد دوم میسر نخواهد شد.

نکته دوم این است که گرایش درونی به تکرار در افراد بشر در فایده رساندن نیست بلکه در ضرر رساندن است. افراد بشر به جای داشتن گرایش به فایده رساندن به خود یا دیگران به طور ذاتی دچارگرایش ها به تکرار در ضرر رساندن به خود یا دیگران هستند. و مبنای اخلاق در کاهش اینگرایش ها به تکرار برای ضرر نرساندن به خود و دیگران است.

نکته سوم این که برخلاف سایر دیدگاه های اخلاقی که در آنها اخلاق همانند محدوده‌ای تعریف‌شده است که آنچه ویژگی‌های داخل آن را داشته باشد عملی اخلاقی محسوب می‌شود و آنچه خارج از آن باشد عملی غیراخلاقی است در فلسفه اخلاق نتیسم محدود اخلاق یک محدود بسته که صرفا اعمال اخلاقی در آن جامی‌گیرند و اعمال غیراخلاقی در خارج از آن هستند نیست بلکه در داخل آن هیچ عملی که در آن قاطعانهگرایش ها به تکرار به ضرر رساندن به حد صفر رسیده باشد وجود ندارد پس همه اعمال اخلاقی و غیر اخلاقی خارج از آن اما با تفاوتی بنیادین نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند.

نکته چهارم این کهگرایش ها به تکرار به ضرر رساندن همواره در انسان وجود دارد و بنابراین تز موجود در فلسفه اخلاق نتیسم که برمبنای آن عملی اخلاقی است که در آن گرایش‌ها به تکرار به ضرر رساندن اصلا وجود نداشته باشد موردی ایده آلی است که هرگز صد در صد وجود ندارد. بنابراین اعمال بشری به دو دسته تقسیم می‌شوند: یاگرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به خود یا دیگران در اعمال آنها یا رو به افزایش است یا رو به کاهش است.

نکته پنجم این که طبق فلسفه اخلاق نتیسم جون هیچ عملی به طور کامل فاقدگرایش ها به تکرار در ضرر رساندن به خود یا دیگران نیست و حتی در بهترین اعمال بشری اندکگرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن وجود دارد بنابراین برخلاف سایر دیدگاه های فلسفه اخلاق تقسیم‌بندی مرزبندی شده بین اعمال اخلاقی و ضد اخلاقی طبق این دیدگاه وجود ندارد و همه اعمال به طور نسبی طبق مقدار گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن بسیار اخلاقی اخلاقی غیراخلاقی و بسیار غیراخلاقی درنظر گرفته می‌شوند.

نکته ششم این که تز فلسفه اخلاق نتیسم شامل تز فلسفه های اخلاق از جمله فایده گرایی و نتیجه گرایی نیز می باشد اما از آن دو کامل‌تر است زیرا عدم گرایش ها به تکرار در ایجاد ضرر به خود یا دیگران می‌تواند معادل فایده رساندن و یا بهترین نتیجه را ایجاد کردن -یعنی دو تز موجود در فلسفه فایده‌گرایی و نتیجه‌گرایی- تعبیر شود اما.

نکته هفتم این که فلسفه اخلاق نتیسم برمبنای گرایش ها به تکرار در ضرر رساندن است نه خود عمل ضرر رساندن بنابراین با دیدگاه های فایده گرایی و نتیجه گرایی که برمبنای نتیجه حاصل شده از عمل انجام شده هستند تفاوت اساسی دارد. زیرا این دیدگاه بر مبنای پتانسیل نهفته در عمل است و نه برمبنای خود عمل البته این پتانسیل یعنیگرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن با نیت فرق می کند. نیت یک فرد از انجام یک عمل می‌تواند بسیار مثبت باشد اما این مثبت بودن

نیت او مانع از وجود داشتن گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به عنوان یک پتانسیل همیشگی در آن شخص نیست.

بسگرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به عنوان یک پتانسیل همواره در افراد وجود دارد (و در حالت کلی تر این پتانسیل در همه اجزاء هستی موجود است) حتی اگر نیت افراد از انجام اعمالشان نیتی مثبت باشد. یعنیگرایش ها به تکرار در ضرر رساندن یک نیت منفی در افراد نیست بلکه یک پتانسیل منفی در آنها است که در حالتی که اصلا وجود نداشته باشد یعنی در حالتی ایده‌آل و غیرواقعی می توان عملی که برمبنای عدم وجود "گرایش ها به تکرار در ضرر رساندن"باشد را عملی کاملا اخلاقی دانست اما در واقعیت همواره این گرایش ها به تکرار در ضرر رسان به صورت یک پتانسیل وجود دارد و عملی اخلاقی تعریف می شود که "کاهش گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن" از آن عمل حاصل شود.

نکته هشتم این که گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن یک علامت اولیه و اکتسابی در انسان نیست بلکه یک پتانسیل ذاتی و غیراکتسابی است. عقل در این گرایش ها به تکرار محدودیت دارد و محدودیت آن ذاتی است یعنی ذات عقل در محدودیت درگرایش ها به تکرار در ضرر رسانی تعریف شده و این ویژگی یک ویژگی ذاتی برای عقل است نه یک ویژگی اکتسابی و ثانویه.*

اشکال عمده‌ای که در دیگر فلسفه‌های اخلاق وجود دارد این است که مطلق‌نگری در آنها حوزه اخلاق را به صورت محدوده‌ای که هر چه در ان تعریف شود خوب و هر چه خارج از آن تعریف شود بد است درآورده است.

اگر عملی فایده به کسی یا کسانی برساند اما از نظر اخلاقی به پتانسیل ذاتی بشری یعنیگرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن در آن عمل توجه نشده باشد فایده حاصل از آن عمل صرفا برمبنای نتیجه به دست آمده توجیه پیدا نمی‌کند زیرا صرفا نتیجه را درنظر گرفتن و از پتانسیل موجود در عمل انجام شده غفلت کردن نمی تواند مبنای کاملا اخلاقی داشته باشد.

آنچه مهم است این نکته است که هر عملی حتی اگر بیشترین فایده را به بیشترین تعداد افراد برساند قابلیت ضرر رساندن به فردی که آن عمل از او سرزده یا به دیگران از آن عمل انجام شده همواره وجود دارد و نتیجه به دست آمده یعنی فایده حاصل شده از آن عمل نمی‌تواند باعث انکار کردن پتانسیل موجود در آن یعنی ضرر رساندن به خود یا دیگران شود. حتی در بهترین حالت که همه از عمل فایده رساندن به خود و دیگران با بیشترین راندمان در مقدار فایده حاصل شده و بیشترین تعداد افرادی که به آنها فایده رسیده راضی هستند پتانسیل ضرر دیدن از آن عمل به ظاهر اخلاقی همواره وجود دارد.

> ***اساس مفهومی متافیزیک نتیسم بر محدودیت عقل در شبکه گرایش‌ها به تکرار در هستی است.***

بنابراین طبق فلسفه اخلاق نتیسم هیچ عملی کاملا اخلاقی نیست اما اعمال کاملا ضد اخلاقی وجود دارند یعنی اعمالی هستند که گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به خود یا دیگران در نتیجه آن اعمال نه تنها صفر نیست و حتی کاهش نمی یابد بلکه افزایش می یابد. قتل، تجاوز، دزدی و اعمال شرارت‌بار دیگر از جمله این اعمال ضد اخلاقی هستند که در همه دیدگاه‌های اخلاقی به عنوان اعمالی ضد اخلاقی محسوب شده اند اما تفاوت آن دیدگاهها با فلسفه اخلاق نتیسم در این است که در آن دیدگاه‌ها این اعمال به دلیل نتیجه منفی که به بارآورده اند ضداخلاقی محسوب شده‌اند درحالی که ضیق فلسفه اخلاق نتیسم، این اعمال شرارت‌بار نه صرفا به دلیل نتیجه حاصل از آنها بلکه به دلیل افزایش گرایش به ضرر رساندن در ذات فرد شرور، منفور است.

از آنجایی که عقل محدود در گرایش ها به تکرار است و بارزترین گرایش‌ها به تکرار در هستی گرایش ها به تکرار در ضرر رساندن است، عقل در این گرایش ها به تکرار در ضرر رساندن محدود است و این محدودیت عقل محدودیتی ذاتی است، یعنی یک ویژگی ثانویه در آن نیست بلکه عقل در محدویت در گرایش‌ها به تکرار، موجودیت یافته و همراه آن گسترش پیدا کرده است. البته عقل در همه جای شبکه گرایش ها به تکرار وجود ندارد و بنابراین دو نوع گرایش ها به تکرار در ضرر رساندن وجود دارد: یا همراه با عقل است یا بدون عقل اگر گرایش ها به تکرار در ضرر رساندن همراه با عقل باشد دو حالت وجود دارد: یا این گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن بر عقل برتری دارد و عملی کاملا ضد اخلاقی توسط فرد یا افراد انجام می‌شود یا عقل برای مدت محدودی که می‌تواند عمر یک فرد باشد مانع از انجام آن عمل ضد اخلاقی توسط آن فرد یا افراد شود. در هر دو حالت عقل محدود در این گرایش ها به تکرار در ضرر رساندن می ماند و حتی برتری یافتن عقل بر این گرایش ها به تکرار در ضرر رسانی به معنای خارج شدن عقل از محدوده این پتانسیل نیست. در این حالت عقل بر گرایش‌ها به تکرار در ضرر رسانی غلبه دارد و برتری می‌یابد اما از محدوده به وجود آمده توسط آنها خارج نمی شود و همواره در محدود گرایش ها به تکرار می‌ماند.

گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن در طبیعت به این صورت نمایان می شود که میل به نابودی در همه اجزاء طبیعت وجود دارد و این میل به نابودی به صورت ذاتی در افراد بشر نیز می باشد. افراد بشر در بدترین حالت این پتانسیل درونی را در خودشان بارور می‌کنند و همدیگر را به قتل می‌رسانند. در حالت دیگر محیط زیست خود را نابود می‌کنند و ... تاریخ بشری ثابت کرده که پیشرفت علوم، فلسفه، ادبیات و هنرهای گوناگون نتوانسته افراد بشر را به طور کامل از گرایش ذاتی در ضرر رساندن به یکدیگر رهایی دهد.

در ادامه این مقاله به شرح فلسفه سیاسی‌ام نتیسم می پردازم. شبکه گرایی یا نتیسم که قبلا درباره آن توضیح داده ام* صرفا یک متافیزیک نیست بلکه امکان گسترش به دیدگاه های سایر حوزه های فلسفی از جمله فلسفه سیاسی را نیز دارد.

اساس مفهومی متافیزیک نتیسم بر محدودیت عقل در شبکه گرایش ها به تکرار در هستی است. در ادامه این مقاله توضیح خواهم داد که چگونه می توان محدودیت هایی که برای عقل سیاسی در شبکه گرایش ها به تکرار به وجود می‌آیند را کاهش داد.

در یک جامعه ایده‌آل توان سیاسی نه صرفا برمبنای اقتصادی یا نظامی بلکه برمبنای توان ذهنی افراد آن جامعه بنا می‌شود. تقدم توان ذهنی نخبگان یک کشور نسبت به توان اقتصادی و نظامی آن کشور به این دلیل است که در صورت از دست رفتن توان اقتصادی و نظامی آن کشور به تکیه بر توان ذهنی آنان بتوان دوباره توان‌های ازدست رفته را بازسازی

کرد. کشوری، که بدون تکیه بر توان ذهنی نخبگان خود صرفا به منابع طبیعی‌اش تکیه کند و توان اقتصادی و سیاسی خود را صرفا بر مبنای منابع طبیعی‌اش استوار کند، در صورت اتمام یا از دست دادن آن منابع طبیعی ناتوان خواهد ماند در حالت ایده‌آل توانایی سیاسی یک کشور مستقل از منابع طبیعی آن و برمبنای توانایی ذهنی نخبگان آن کشور است و در این حالت اگر کشوری منابع طبیعی چندانی هم نداشته باشد باز می‌تواند با تکیه بر توان ذهنی نخبگانش پیشرفت کند.

توجه به این نکته ضروری است که هیچ جزئی از هستی وجود ندارد که صرفا یک تعریف داشته باشد. هر جزئی از هستی دارای تعریف‌های متعدد بر مبنای زاویه دیدگاه‌های مختلف است. بنابراین همه مفهوم و زیرمفهوم فلسفی را می‌توان از زوایای مختلف بازتعریف کرد. اما برای داشتن یک فلسفه سیستماتیک منسجم لازم است که به جای تعریف متفاوت از یک زیرمفهوم، همان تعریف را در حوزه‌های مختلف فلسفه به کار برد.

درون‌مندی و عقل یاور دو زیرمفهوم است که در فلسفه تحلیلی ام با نام "فلسفه تحلیلی ارجاعی" ** درباره آنها توضیح دادم. درون‌مندی همان کاهش گرایش ها به تکرار است و درون‌مندی فعالانه زمانی ایجاد می‌شود که این کاهش همراه با انتقال بخشی از یک جزء هستی به بخشی دیگر از اجزاء آن باشد. در یک کشور درون مندی همان کاهش‌گرایش ها به تکرار نظریه های شکست خورده سیاسی است و درون مندی فعالانه وقتی حاصل می‌شود که بین مردم و دولت در آن کشور انتقال توان مندی های ذهنی به صورت دوطرفه وجود داشته باشد. در این حالت عقل یاور بروز می یابد و برهم‌کنش‌های سیاسی با کاهش گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن میان مردم و دولت همراه می‌شود.

در فلسفه اخلاق که در این مقاله به آن پرداختم این نکته را مطرح کردم که گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به صورت یک پتانسیل ذاتی در همه افراد جامعه وجود دارد بنابراین این پتانسیل نه تنها در دولت‌ها بلکه در مردم کشورها نیز وجود دارد. فایده‌ای که از مردم یک کشور به دولت آن یا از دولت آن کشور به مردم آن می‌رسد نه به دلیل ذات فایده‌رسانی افراد بلکه به دلیل کاهش گرایش‌ها به تکرار در ضرر رسانی توسط آنهاست. یعنی کاهش گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به یکدیگر در ظاهر به صورت فایده‌رسانی جلوه‌گر می‌شود اما همواره در کنار فایده‌های رسانده شده ضررهایی پنهانی حتی کوچک وجود دارد. افزایش توان‌مندی اقتصادی و نظامی در یک کشور اگرچه فایده‌های بسیار برای مردم و دولت در آن کشور دارد اما در کنار مزایا می‌تواند تحریک کننده طمع دیگر کشورها باشد. بنابراین در بهترین حالت فایده رسانی همواره ضررهایی جانبی نیز وجود دارد. البته این بدان معنا نیست که به دلیل وجود این ضررهای احتمالی و جانبی فایده‌های بسیار به وجود آمده را نادیده بگیریم.

> *توجه به این نکته ضروری است که هیچ جزئی از هستی وجود ندارد که صرفا یک تعریف داشته باشد*

از آنجایی که عقل در همه جای شبکه گرایش‌ها به تکرار حضور ندارد و این مورد یک اصل کلی در همه پدیده های هستی است بنابراین این ویژگی در پدیده‌های سیاسی همه جوامع نیز وجود دارد. پس فقدان عقلانیت در برخی فایده رسانی های سیاسی بین مردم و دولت‌ها نیز وجود دارد و کاهش گرایش‌ها به تکرار در ضرر رساندن به یکدیگر در یک کشور همواره به معنای حضور عقل در آن پدیده‌های فایده‌رسان نیست. این سرد به این دلیل است که عقل در گرایش‌ها به تکرار حضوری محدود دارد و بر آنها تسلط کامل ندارد بلکه بخشی از شبکه گرایش‌ها به تکرار محسوب می‌شود.

بی‌نظمی‌های موجود در رفتارهای سیاسی در کشورها را می توان با محدودیت عقل در مجموعه گرایش ها به تکرار در ضرر رسانی توجیه کرد.این گرایش ها به صورت پتانسیل وجود دارد و زمانی که بروز می یابند بی‌نظمی‌های رفتارهای سیاسی و تغییرهای غیرمنطقی و نوسانی در رفتارهای سیاسی را ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی ممکن است حتی برخی یا همه اصول سیاسی در یک کشور از طرف زمامداران آن به هم بخورد و اصول جدید سیاسی جانشین اصول سیاسی قبلی شود.

برای رسیدن به ثبات سیاسی در یک کشور لازم است کاهش گرایش ها به تکرار در ضرر رسانی به صورت خودآگاهانه در ذهن مردم و دولت آن کشور نهادینه شود. در چنین مرحله‌ای، است که ضررهای احتمالی و جانبی حاصل از فایده های دوطرفه در رفتارهای سیاسی بین مردم و دولت مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مرحله اگرچه احتمال بروز یافتن ضررهای جانبی به آن کشور به دلیل گرایش ها به تکرار در ضرر رسانی که یک ویژگی ذاتی در مردم دیگر کشورها است از طرف آن کشورها هرگز به صفر نمی‌رسد لااقل از امکان بروز یافتن آن در یک برهم‌کنش متعادل و مورد قبول برای مردم و دولت در آن کشور کاسته می‌شود.

منبع:

ساراتن به توان فرد، جلد سوم، نویسنده: دکتر ترانه جوانبخت، مونترال، ۱۳۹۰.

* گرایش‌ها به تکرار به دو نوع ذاتی و اکتسابی (اولیه و یا ثانویه) تقسیم بندی می شود که گرایش‌ها به تکرار از نوع اکتسابی اولیه معمولاً منفی نیستند اما گرایش ها به تکرار از نوع ذاتی و یا از نوع اکتسابی ثانویه معمولاً منفی هستند و لازم است برای کاهش دادن آن‌ها در خود اهتمام شود. در مورد گرایش‌ها به تکرار از نوع اکتسابی (عادت های اولیه و ثانویه) رجوع شود به مقاله‌ام با نام "شبکه گرایی یا تئیسم متافیزیک جدید و پیامدهای آن" منتشر شده در شماره مهر ماه مجله فلسفه تو.

** رجوع شود به مقاله‌ام با نام "شبکه گرایی یا تئیسم متافیزیک جدید و پیامدهای آن" منتشر شده در شماره مهر ماه مجله فلسفه تو.

*** رجوع شود به مقاله ام با نام "فلسفه تحلیلی ارجاعی و پیامدهای آن" منتشر شده در شماره آذر ماه مجله فلسفه تو.